



## چرا باید به

## تاریخ دانش اقتصاد

## اهمیت دهیم؟

◉ کامران دادخواه  
دپارتمان اقتصاد - دانشگاه نورث ایسترن

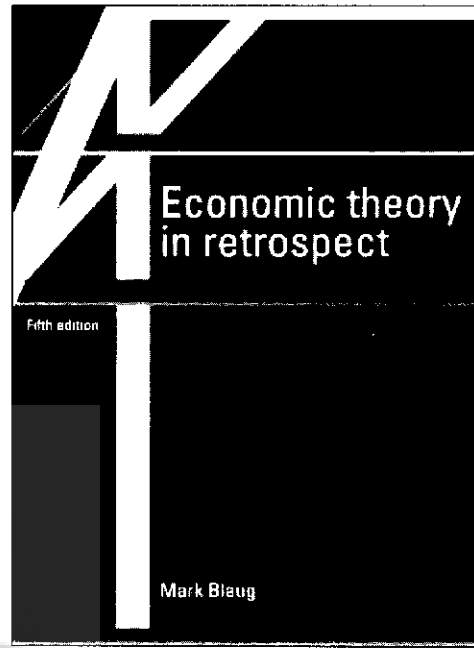
ژورنال مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

چکیده:

**۱. تاریخ دانش**  
دانش فعالیتی است اجتماعی و مانند دیگر کوشش های انسان ها دارای گذشته و تاریخ. بشر همواره به دانستن گذشته علاقه داشته و امروز تاریخ خود دانشی است یا روش های ویژه. این تمایل بشر به دانستن گذشته خود بزرگترین دلیل و انگیزه ایجاد رشد و شکوفایی تاریخ نویسی بوده، اگرچه برای تاریخ فایده هایی نیز برشمرده اند. شاید مهم ترین فایده تاریخ این باشد که با خواندن آن در می یابیم چگونه و از چه راهی به مرحله کنونی زندگی اجتماعی، اقتصادی و علمی رسیده ایم.

تاریخ علم را به دو صورت می توان بررسی کرد. یکی آن است که دانش را پدیده ای مستقل در نظر گرفته و تنها فرآیند فکری دانشمندان و پیشرفت دانش ها را بررسی کنیم. مثلاً سؤال کنیم چگونه فیزیک تحول یافته و چگونه تئوری های نیوتون،

کتاب های تاریخ دانش می توانند به مردم و تصمیم گیران کشورهای در حال رشد نشان دهند که علم چگونه در برخی کشورها پیشرفت کرده و چه کاستی هایی در جامعه مانع پیشرفت علم در بعضی کشورها شده است و نیز می تواند راهنمای یک ملت و رهبران آن باشند تا از برتگاه هایی که دیگران در آن غلطیده اند و مانع رشد دانش در کشور خود شده اند، برهیز کنند. این همه در مورد تاریخ دانش اقتصاد نیز صادق است. متعاقب این مقدمه، سه کتاب برجسته تخصصی در تاریخ دانش اقتصاد به اجمال مورد بررسی قرار گرفته است. تاریخ تحلیل اقتصادی نوشت، «جوزف شوهمر» که پیشرفت علم اقتصاد را در بستر تحول تاریخی جامعه بشری به طور اعم و اندیشه اجتماعی به طور اخص تصویر می کند؛ نظریه اقتصادی در آینه تاریخ نوشته «مارک بلاک» که تکیه اش بر موضوع های علم اقتصاد است و پیشرفت های دانشمندان را برحسب مسائل اقتصادی مورد توجه قرار می دهد؛ و تاریخ نظریه اقتصادی نوشته «یورگ نیهاتز» که سر تاریخی علم اقتصاد را برحسب آنچه اقتصاددانان به طور انفرادی یا جمعی بدان افزوده اند، می جوید. همچنین ارزیابی ای کلی از دو کتاب که برای عامه نوشته شده صورت گرفته است. یکی کتاب فیلسوفان ناموسی نوشته «رابرت هانسون» که تصویر نادرستی از دانش اقتصاد می دهد و دیگری کتاب اندیشه های جدید از اقتصاددانان مرده نوشته «نات بوکهلز» که علاوه بر آن که تصویر درستی از دانش امروزی اقتصاد به دست می دهد، بنسبت های اخیر را نیز بررسی کرده است. مقاله با ذکر نام و جایگاه برخی آثار جدیدی که در باب تاریخ شعبه های تخصصی اقتصاد، جامعه اقتصادسنجی نوشته شده است پایان می گیرد.



نوعی از تاریخ که شاید تنها با بیشتر درباره علم اقتصاد بافهم بوده مدعی است که شرایط اجتماعی و اقتصادی، یا فلسفی و حتی روانی و در برخی موارد تعصب، ایدئولوژی و سیاست‌های مورد نظر اقتصاددانان موجب انراژ اثری بی‌شمه است. این قبیل کتاب‌ها جز بیپهوده‌گویی چیزی ندارند و خواندنشان عمر به هدر دادن است.

استالین در دهه ۱۹۳۰ بسیاری از مغزهای متفکر اقتصادی را از بین برد. دانش اقتصاد در روسیه هنوز هم از این ضربه کم‌رسانست. تکرار است.

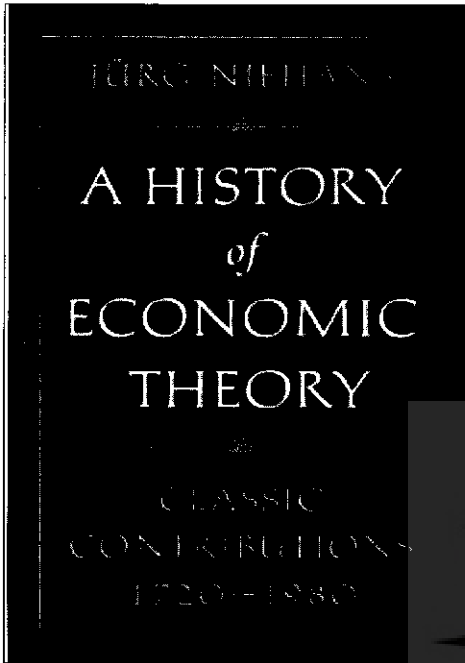
اینستاین، پلانک و دیگران، فیزیک امروز را به وجود آورده است. برحسب این که مخاطب نویسنده تاریخ کیست - مردم عادی، دانشجویان، مهندسان، یا دانشمندان فیزیک - پیچیدگی مطالب چنین کتاب‌هایی نیز کم و زیاد خواهد بود. البته هرچه مطلب فنی‌تر و تخصصی‌تر گردد، تعداد خوانندگان نیز کمتر خواهد شد. به گفته استیون هاکنینگ، اضافه کردن هر یک فرمول تعداد خوانندگان را به نصف آنچه بدون آن فرمول بود، کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، نویسنده تاریخ ممکن است به زندگی شخصی، محیط اجتماعی و خصوصیات اخلاقی دانشمندان مورد بحث هم وارد بشود یا اینکه مسائل علمی را منهای این عوامل بررسی کند. چنان که در بخش دیگری خواهیم دید یکی از کتاب‌های مورد بررسی ما کمتر اشاره‌ای به محیط زندگی اقتصاددانان دارد و دیگری تا حد زیادی به این عوامل پرداخته است. نگرش دوم به تاریخ علم آن است که فعالیت دانشمندان، نهادهای دانش و نقش دولت را در مجموع بررسی کنیم. به عنوان مثال، نیکلای کرمنتسوف دستگاه دانش استالینی در شوروی را مطالعه کرده، جیمز مک کلان و هارولد دورن تاریخ دانش و تکنولوژی را در جهان برای خواننده معمولی نوشته‌اند، بیرشمن درباره دانشمندان زمان هیتلر و چارلز کولستن گیلپسی درباره دانش و دستگاه سیاسی در فرانسه نوشته‌اند.

نوع سوم از تاریخ که شاید تنها با بیشتر درباره علم اقتصاد یافت شود، مدعی است که شرایط اجتماعی و اقتصادی، یا فلسفی و حتی روانی و در برخی موارد تعصب، ایدئولوژی و سیاست‌های مورد نظر اقتصاددانان موجب ابراز نظریه‌ای شده است. این کتاب‌ها جز بیپهوده‌گویی چیزی ندارند و خواندنشان عمر به هدر دادن است. باید توجه کرد که فرایند دانش - حتی اگر در برخی موارد آبخشورش چنین عواملی باشد - خود مستقل از اینهاست، چرا که فرضیه‌های علمی باید منطبق داخلی استوار (internal Consistency) داشته باشند و با تجربه و آمار مطابقت کنند. بنابراین اگر هم تعصبی موجب پیدایش فرضیه‌ای شده باشد، اگر آن تئوری غلط باشد کنار گذاشته می‌شود و اگر صحیح و منطقی با واقعیت باشد، سرچشمه آن بی‌ربط است. کتاب‌های تاریخ دانش، چه از دسته اول و چه از دسته دوم، نه تنها افراد جامعه را با دانش و فرآیند آن آشنا می‌کنند، بلکه برای دانشمندان آن رشته و رشته‌های دیگر نیز سودمند خواهند بود. به علاوه این کتاب‌ها می‌توانند به مردم و تصمیم‌گیران کشورهای در حال رشد نشان دهند که علم چگونه در برخی کشورها پیشرفت کرده و چه کاستی‌هایی در جامعه مانع پیشرفت علم در بعضی کشورها شده است. به عنوان مثال

خواندن تاریخ فیزیک و ریاضی شاید بتواند به ایرانیان نشان دهد که چرا در چهار صد سال گذشته، ایران حتی یک ریاضیدان یا فیزیک‌دان در حد جهانی نداشته است. باز چنین کتاب‌هایی می‌توانند راهنمای یک ملت و رهبران آن باشند تا از پرتگاه‌هایی که دیگران در آن غلطیده‌اند و مانع رشد دانش در کشور خود شده‌اند پرهیز کنند.

در اینجا برای آن که قضیه خیلی انتزاعی نباشد، مثالی از تاریخ شوروی سابق می‌زنیم که چگونه تکیه بر ایدئولوژی، علم ژنتیک را در آن کشور سال‌ها عقب نگه داشت. در این ماجرا به دو نفر برمی‌خوریم. یکی نیکلا واولیوف که دانشمند ژنتیک بود و تحت رهبری او آکادمی دانش‌های کشاورزی شوروی به مرکز پژوهشی نیرومندی تبدیل گردید و تحقیقات ژنتیک شوروی احترام دانشمندان کشورهای دیگر را برانگیخت. دومی شارلاتانی بود به نام تروفیم لیزنکو که معتقد بود ویژگی‌هایی که یک گیاه یا حیوان در مدت زندگی کسب می‌کند، به نسل بعدی منتقل می‌شود. بعد از انقلاب اکتبر مسأله افزایش بهره‌وری در کشاورزی برای شوروی جنبه حیاتی داشت. در سال ۱۹۳۱ دولت بخشنامه‌ای صادر کرد که پرورش انواع غلاتی که برای اقلیم‌های گوناگون مناسب است باید ظرف چهار سال انجام پذیرد. واولیوف می‌دانست که این کار شدنی نیست ولی لیزنکو متعهد شد که این کار را در عرض دو سال و نیم انجام دهد. تصفیه‌های استالینی دانشمندان بسیاری را نابود کرد و لیزنکو و یارانش با استفاده از بوروکراسی بر حریفان غلبه و دستگاه علمی گیاه‌شناسی و ژنتیک شوروی را قبضه کردند. لیزنکو نورچشمی استالین شد و عقایدش حتی به کتاب‌های زیست‌شناسی درسی دبیرستان‌ها نیز راه یافت و جای عقاید مندل را گرفت. گفتنی است که در این جدال بین دانشمندان و شارلاتان‌ها، چند تن فیلسوف مارکسیستی که هیچ اطلاعی از دانش نداشتند طبق تصمیم حزب کمونیست شوروی به قضاوت نشستند و پس از بحث داغی بین دو دسته حق را به جانب لیزنکو دادند.

واولیوف در سال ۱۹۴۰ توقیف و سال بعد متهم به عضویت در یک توطئه دست راستی و جاسوسی برای بریتانیا و بالاخره محکوم به مرگ شد. وی در سال ۱۹۴۳ در زندان درگذشت. البته پرورش غلات برای تمام اقلیم‌ها هم نه تنها در عرض دو سال و نیم بلکه در سی سال بعد هم سرانجامی نیافت. بالاخره در سال ۱۹۶۴ لیزنکو از مدیریت انستیتوی ژنتیک برکنار شد و در سال ۱۹۷۴ کمیته مرکزی حزب کمونیست اهمیت زیست‌شناسی مولکولی و ژنتیک مولکولی را بازشناخت. ولی ضربه‌ای که بر دانش ژنتیک در روسیه خورده بود



بسیاری از اقتصاددانان برجسته آلمانی و  
 آتریشی به دلیل تبعات‌های  
 نژادپرستانه [هیتلری] خود را  
 رها کردند و سازمان‌های  
 هرچه بک رجسته نامده شدند.  
 مهم‌ترین مجله‌های اقتصادی آلمانی کتاب  
 ژمانی مورد تحسین بسیار بودند. در  
 دوران نازی‌ها هیتلری‌ها به دلیل این که  
 چنان که شایسته بودی می‌شدند  
 ترجمه مقاله‌ای از کینز را سانسور کردند  
 از نظر سیاسی و فلسوفان سیاسی، چه

زیست‌شناسی، یا اقتصاد از گذشته علم خود نیز اطلاع داشته باشد، مگر نه این است که دانش فرآیندی است انباشتی که در آن نظریه‌های درست و منطبق با واقعیت خارج پابرجا می‌مانند و نظریه‌هایی که تجربه، آمار، یا داده‌های دیگر نادرست بودن‌شان را نشان می‌دهند کنار گذاشته می‌شوند؟ پس کافی است که رهروان هر علمی آخرین کتاب‌ها و مقاله‌ها را بخوانند و نیازی به دانستن گذشته نیست. به عبارت دیگر آنچه در حال حاضر مورد قبول علم است کل چیزی است که دانش پژوه بدان احتیاج دارد. البته اگر کسی گذشته را هم بداند چه بهتر، بدون شک آدم فاضل‌تری است ولی علم بر گذشته دانش شرط لازم دانشمند شدن نیست. این سخن صحیح است و اگر کسی در کتاب‌های گذشتگان به دنبال ایده‌ها و فکرهای جدیدی برای پیشبرد علم بگردد بی‌شک عمر تلف کرده و از شوره‌زار گل خواسته است. اگرچه این امکان نادر هم هست که جوینده به سرنخی که دیگران دنبال نکرده‌اند، دست یابد یا اینکه مسأله‌ای را که نیازمند پژوهش بوده و بدان عنایت نشده است، پیدا کند. علت این امر این است که گاهی تغییر شرایط اقتصادی مسأله‌ای را که ذهن همه را به خود معطوف داشته از اهمیت می‌اندازد و برعکس گاهی موضوعی به مسأله حاد روز تبدیل می‌شود. اقتصاددانان نیز به تبع توجه خود را از این مسأله بدان تغییر می‌دهند. بنابراین در مورد دانش نیز مهم‌ترین فایده تاریخ، دانستن گذشته و آشنایی به چم و خم راه طی شده است. ولی در مورد دانش اقتصاد دانستن گذشته آن علاوه بر پربار کردن جوینده، دو فایده دیگر هم ممکن است داشته باشد.

۱- پدیده‌های فیزیکی مستقل از دانش فیزیک است، حال آن که نهادهای اقتصادی ساخته بشرند. این نهادها، مانند بازار و مقررات آن، سیستم پولی و بانکی و غیره تأثیر اساسی بر عملکرد اقتصاد دارند. اقتصاددانان، تصمیم‌گیران، و مردم در گذشته می‌دانسته‌اند در ایجاد و دگرگونی این نهادها نقشی داشته‌اند که بدون دانستن اندازه آن دانش، درک علت وجود و طرز عملکرد فعلی این نهادها مشکل خواهد بود.

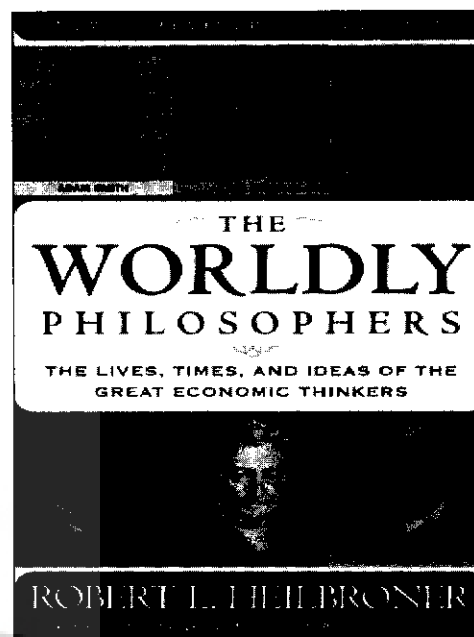
۲- فعالیت اقتصادی تابع تصمیم‌های مردم، شرکت‌ها و مسوولان اقتصادی دولت و تصمیم‌گیران خارجی که با اقتصاد داد و ستد دارند می‌باشد. این تصمیم‌ها به نوبه خود تحت تأثیر اندازه آگاهی مردم و مسوولان از دانش اقتصاد و مسائل اقتصادی است، از سوی دیگر این آگاهی خود زاده دانش اقتصاد و اندازه انتشار آن در دانشگاه‌ها و در میان مردم است. جان مینارد کینز، اقتصاددان نامی انگلیسی می‌نویسد:

اندیشه اقتصاددانان و فیلسوفان سیاسی، چه

به این سادگی‌ها جبران‌پذیر نبود. استالین عین این ضربه را بر دانش اقتصاد شوروی زد و در دهه ۱۹۳۰ بسیاری از مغزهای متفکر اقتصادی را از بین برد. دانش اقتصاد در روسیه هنوز هم از این ضربه کمر راست نکرده است. ولی این بحث خود داستان مفصل جدایی است که «این زمان بگذار تا وقت دگر.» داستان فیزیک آریایی هیتلر هم از این مقوله است. دانشمندان درجه یک فیزیک آلمان که یهودی بودند تحت این عنوان مورد آزار قرار گرفتند و بسیاری از آن کشور گریختند. با همین عنوان فرضیه نسبت اینشتاین مورد حمله قرار گرفت. قضیه حتی دامن دانشمندان غیریهودی نظیر هایزنبرگ را هم گرفت که از شوخی‌های تاریخ هم این که رییس اس‌اس به خاطر روابط خانوادگی هایزنبرگ را نجات داد. به طور کلی نازی‌ها بر دانش آلمان ضربه شدیدی زدند. پس از آن که هیتلر در سال ۱۹۳۳ به قدرت رسید، قانونی به نام «بازسازی خدمات اداری» به تصویب رساند که در نتیجه آن نزدیک به سه هزار آموزگار و تعداد زیادی از کسانی که شغل‌های تحقیقی و اداری داشتند به این دلیل که کلمه یهودی بودند یا عقاید سوسیالیستی و سوسیال دموکراسی داشتند از کار برکنار شدند. بعضی از اینها در اردوگاه‌های اسیران از بین رفتند و بسیاری به کشورهای دیگر مهاجرت کردند. به این گروه باید کسانی را هم که از کشورهای تحت اشغال آلمان گریختند اضافه کرد. بسیاری از آن‌ها که از آلمان و دیگر کشورها فرار کردند دانشمندان برجسته‌ای در رشته‌های فیزیک، ریاضی و اقتصاد بودند. یکی از پژوهشگران در ارزیابی اثر این مهاجرت‌ها بر دانش اقتصاد در آلمان و اتریش می‌نویسد: «اتفاق نظر این است که مهاجرت صدها اقتصاددان... برای حرفه اقتصاد در اتریش و به خصوص آلمان مصیبت بار بود. بسیاری از اقتصاددانان برجسته آلمانی و اتریشی به خاطر تعصب‌های نژادپرستانه [هیتلری‌ها] و برای این که حاضر نبودند در جایی که آزادی اندیشه سرکوب شده بود کار کنند، شغل خود را رها کردند. سازمان‌های درجه یک تحقیقی نابود شدند. مهم‌ترین مجله‌های اقتصادی آلمان، که زمانی مورد تحسین بسیار بودند موقعیت خود را از دست دادند چرا که ضمن [پلیدی‌های دیگر] ترجمه مقاله‌ای از کینز را سانسور کردند تا از نظر سیاسی مورد قبول باشد.»

**دانش اقتصاد و تاریخ آن**

آنچه تاکنون درباره دانش‌ها به طور کلی گفتیم در مورد علم اقتصاد نیز صادق است. ولی چه در مورد اقتصاد و چه در مورد دانش‌های دیگر این سؤال پیش می‌آید که آیا لزومی دارد که دانشمند فیزیک، ریاضی،



کینز: اندیشه اقتصاددانان و فیلسوفان سیاسی، چه هنگامی که درست می‌گویند و چه آنگاه که برخطایند، مؤثرتر از آن است که مردم می‌پندارند. در واقع دنیا تنها به فرمان این اندیشه‌هاست؛ مردان عمل که خود را بری از تأثیر اندیشه‌ها می‌دانند معمولاً برده اقتصاددانان از دنیا رفته هستند هرچه تاریخ اندیشه اقتصادی از زمان ما دورتر باشد، دانستن آن نیز فایده کمتری دارد

هنگامی که درست می‌گویند و چه آنگاه که برخطایند، مؤثرتر از آن است که مردم می‌پندارند. در واقع دنیا تنها به فرمان این اندیشه‌هاست. مردان عمل که خود را بری از تأثیر اندیشه‌ها می‌دانند، معمولاً برده اقتصاددانان از دنیا رفته هستند. مردان دیوانه در قدرت که صداهای غیبی می‌شنوند، هیجان خود را مدیون نوشته‌های شتابزده استاد‌های چند سال پیش هستند. من مطمئن هستم که در مورد قدرت صاحبان منافع در مقایسه با نفوذ تدریجی اندیشه‌ها اغراق شده است. البته تأثیر اندیشه‌ها نه آنی که پس از گذشت زمان است، چون در زمینه اقتصاد و سیاست، افراد پس از سن بیست و پنج و سی کمتر تحت تأثیر تئوری‌های جدید واقع می‌شوند، تفکر ماموران دولت و سیاست مداران و حتی مخالفان دولت در امور جاری جدیدترین اندیشه‌های علمی نیست.

کوتاه سخن این که دانستن تاریخ دانش اقتصاد، جوینده این رشته را فاضل‌تر و آشناتر به مسائل اقتصادی خواهد کرد. البته هرچه تاریخ اندیشه اقتصادی از زمان ما دورتر باشد، این فایده کمتر خواهد بود. این نکته را هم بگویم که بسیاری از مشکلات اقتصادی در کشورهای در حال رشد (از جمله ایران) ناشی از بدآموزی‌هایی است که برخی شارلاتان‌ها و گاه افراد ناآگاه در میان مردم رواج داده‌اند. در مورد ایران می‌توان به مفاهیم اشتباهی مانند اقتصاد توحیدی، وابستگی اقتصادی، خودکفایی، و اقتصاد بدون نفت اشاره کرد که هرکدام جای بحث مفصلی دارند.

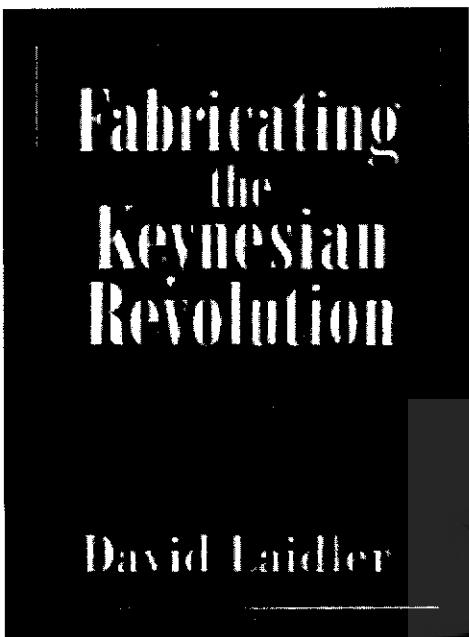
پس از این مقدمه به معرفی سه کتاب برجسته تخصصی در تاریخ دانش اقتصاد می‌پردازیم. این انتخاب دلایلی دارد. اولین دلیل آشنایی نویسنده با این سه کتاب است. دلیل دوم این که این سه کتاب کمابیش بهترین کتاب‌هایی هستند که در رشته تاریخ دانش اقتصاد نوشته شده‌اند. ولی شاید مهم‌ترین دلیل این باشد که این سه کتاب تصویر درستی از علم اقتصاد به دست می‌دهند. هستند کتاب‌های دیگری که در آن‌ها نقش مارکس و اقتصاد مارکسیستی و یا ویلن و مکتب نهادی آمریکا بسیار بزرگ جلوه داده شده است. حال آن که امروز نه اقتصاد مارکسیستی محلی از اعراب دارد و نه جز معدودی از اقتصاددانان کسی آن را جدی می‌گیرد. همین‌طور نوشته‌های ویلن و مکتب نهادی قدیم نیز جز مقداری بحث‌های پا در هوا چیز دیگری نیست. البته پژوهش‌های نهادی جدید از این داور بیرون است.

### جوزف شومپتر

شومپتر شاید تنها اقتصاددان مشهوری است که در زمینه تاریخ دانش اقتصاد کتاب نوشته است. البته دیگران درباره یک اقتصاددان یا یک موضوع، مقاله یا حتی کتاب نیز نوشته‌اند و گاه نیز در سنین پیری، دانشمندان مشهور زمان جوانی خود را معرفی کرده‌اند، ولی تنها شومپتر کتابی جامع در این رشته نوشته است. او هم کتاب را تمام نکرد. به هنگام مرگش در سال ۱۹۵۰، شومپتر تنها انبوهی یادداشت، نسخه‌های دست‌نویس، بعضی فصل‌های ماشین شده و گاه تصحیح شده، در جعبه‌های گوناگون در محل کارش در هاروارد و در خانه‌اش باقی گذاشت. همسرش، الیزابت بودی شومپتر، که خود اقتصاددان بود، از این مطالب کتابی ساخته و پرداخته کرد. کتاب شومپتر عظیم است؛ ۱۲۶۰ صفحه با حروف نسبتاً ویژه کتاب نه تنها پیشرفت دانش اقتصاد بلکه رشته‌های نزدیک به آن را هم در برمی‌گیرد و مطالبی درباره جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه و حتی هنر دارد. در بعضی موارد شومپتر پیشرفت دانش اقتصاد را در زمینه مسائل اقتصادی آن روز دنیا مطرح می‌کند.

به عنوان مثال فصل هفتم بخش سوم کتاب درباره پول، اعتبار، و نوسان‌های اقتصادی، با بررسی مسائل پولی انگلستان آغاز می‌گردد. همین‌طور فصل هشتم بخش چهارم با گفتاری درباره مسائل کاربردی شروع می‌شود، ولی هرچه به زمان حاضر نزدیک شویم چنین کاری دشوارتر می‌شود. چون از یک طرف در سال‌های ۱۸۸۰ برای نخستین بار اقتصاد به صورت رشته‌ای دانشگاهی درآمد و پس از آن به این حرفه پرداختند. همراه با زیاد شدن تعداد اقتصاددانان، بسیاری هم به کارهای پایه‌ای در دانش اقتصاد پرداختند که ممکن بود کاربرد آنی نداشته باشد. اضافه کنیم که در بررسی کارهای علمی و اندیشه‌های اقتصاددانان، شومپتر به محیط زندگی و حتی مسائل خصوصی آنها نیز وارد می‌شود. به عنوان مثال در بحث آدام اسمیت متذکر می‌شود که هیچ زنی جز مادرش در زندگی او وجود نداشت و این که آدام اسمیت در انتقاد از دیگران بلندنظر نبود.

کتاب در پنج بخش تنظیم شده است. بدین قرار: مقدمه (درباره چشم‌انداز و روش)، از آغاز تا مرحله کلاسیک نخست (تا حدود سال ۱۷۹۰)، از ۱۷۹۰ تا ۱۸۷۰، از ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴ (و بعد)، و نتیجه‌گیری (طرحی از پیشرفت‌های جدید). در مقدمه از اهمیت تاریخ دانش اقتصاد، روش‌های تحلیل اقتصادی، رابطه اقتصاد با سایر دانش‌ها و طبیعت علم اقتصاد سخن رفته است. بخش دوم از یونان و رم قدیم آغاز و پس از سده‌های میانه به



### مارک بلاگ<sup>۱۵</sup>

برخلاف شومپتر، مارک بلاگ کتابش را در جوانی نوشت و از حیث روش نیز با شومپتر تفاوت دارد. توجه اصلی کتاب به تئوری اقتصادی و تحول آن است نه اقتصاددانان و زندگی آنها. به علاوه در کتاب بلاگ بیش از سایر کتاب‌های دانش اقتصاد فرمول ریاضی و نمودار به کار گرفته شده است.

قسمت اول کتاب که تا اواخر قرن نوزدهم را شامل می‌شود بر حسب اقتصاددانان بزرگ کلاسیک فصل‌بندی شده است. این فصل‌ها مطالب زیر را در بر دارند. دانش اقتصاد پیش از آدام اسمیت، آدام اسمیت، جمعیت و تئوری مالتوس، قاعده بازده نزولی و رانت، سیستم ریکاردو، قانون (ژان باتیست سی) و تئوری پولی کلاسیک، جان استوارت میل و اقتصاد مارکسیستی. ولی در تمام اینها توجه به تئوری‌های این اقتصاددانان معطوف است.

در قسمت دوم موضوع فصل‌ها تغییر می‌کند و به ترتیب این عنوان‌ها می‌آید: انقلاب نهایی، اقتصاد مارشالی: فایده و تقاضا، اقتصاد مارشالی: هزینه و عرضه، تولید نهایی و قیمت عوامل، تئوری مکتب اتریش و سرمایه و بهره، تعادل عمومی و اقتصاد رفاه، اقتصاد مکان و تئوری کلاسیک مکان، تئوری نئوکلاسیک پول، بهره و قیمت‌ها، اقتصاد کلان و پس‌گفتاری درباره روش که موضوع آن را بلاگ مفصل‌تر در کتابی دیگر نوشته است. این تقسیم‌بندی نشانگر نظر بلاگ در تغییر اهمیت دانش اقتصاد پس از سال ۱۸۷۰ است. چنان که گفتیم در سال‌های ۱۸۸۰ اقتصاد به صورت رشته‌ای دانشگاهی درآمد و این علم به صورت انباشتی از نسلی به نسل دیگر منتقل شد. پس دورانی که یک مرد بزرگ دانش زمان خود را مجسم می‌ساخت سپری شده بود.

کتاب مارک بلاگ علاوه بر آن که تاریخ دانش اقتصاد را می‌آموزد می‌تواند به صورت کتاب کمکی در درس‌های تئوری اقتصاد نیز مورد استفاده قرار گیرد. از سوی دیگر، خواندن کتاب برای افراد غیرمتخصص دشوار است. کتاب برای اقتصاددانان و دانشجویان اقتصاد نوشته شده است و خواننده‌ای که با مفاهیم اقتصادی آشنا باشد و یا از ریاضیات ترسی به دل داشته باشد آن را نخواهد خواند.

### یورگ نیهانز<sup>۱۶</sup>

ارزش کتاب نیهانز در این است که تاریخ دانش اقتصاد را تا سال ۱۹۸۰ ادامه می‌دهد و درباره اقتصاددانان معاصر همچون ساموئلسن، آرو و دیگران نیز بحث می‌کند. کتاب سه بخش دارد: بخش نخست

دوران مرکانتیلیست‌ها ختم می‌شود. چنان که پیداست شومپتر چنان تقسیم‌بندی‌ای انجام داده است که آدام اسمیت در بخش از آغاز تا ۱۷۹۰ جای گیرد. به طور کلی ضمن آن که شومپتر آدام اسمیت را از بعضی نظرها تحسین می‌کند، کتاب ثروت ملل او را از نظر تئوری دوران ساز نمی‌داند. شومپتر می‌گوید: «واقعیت این است که ثروت ملل حتی یک ایده تحلیلی، اصل یا روشی که در ۱۷۷۶ نوظهور بوده باشد در خود ندارد.»<sup>۱۷</sup> شومپتر آدام اسمیت را از این حیث که تمام ایده‌ها و عقاید پیش از خود را در کتابی درخور فهم همگان جمع‌آوری کرده است ستایش می‌کند. از اقتصاددانان کلاسیک، دیوید ریکاردو مورد احترام شومپتر است.

در بخش سوم شومپتر نخست زمینه اجتماعی - سیاسی را بررسی می‌کند و سپس به چشم‌انداز روشنفکری می‌پردازد. در اینجا از فلسفه آلمان، رمانتیسم، نظریه حقوق طبیعی، داروین و سوسیالیسم سخن می‌رود. پس از آن شومپتر به اقتصاددانان می‌پردازد و سه فصل را به مباحث گوناگون اقتصاد تخصیص می‌دهد. چنان که از عنوان بخش چهارم پیداست، ایجاد و رشد مکتب نئوکلاسیک و همینطور مسائل پولی، اعتبار و نوسان‌های اقتصادی به خصوص تئوری مقداری پول مورد بررسی قرار می‌گیرند. پس از مقدمات، درباره اقتصاددانانی چون جی. مینر، والر اس، فیشر و کلارک سخن می‌رود. پس از آن به مسائل گوناگون اقتصاد از جمله تئوری تعادل و تئوری فایده می‌پردازد. بخش پنجم درباره تحولات اقتصادی بعد از ۱۹۱۴ تا زمان مرگ شومپتر است.

شومپتر با پیشرفت‌های اقتصاد زمان خود از جمله استفاده هرچه بیشتر از ریاضیات و آمار آشنا بود. وی از بنیانگذاران جامعه اقتصادسنجی است. گفتنی است که در همین کتاب از کارهای فریش، تین برگن و هاولمو در اقتصادسنجی ستایش می‌کند. در مقایسه، مکاتبات خصوصی کینز نشان می‌دهد که وی با آن که در ظاهر از کارهای تین برگن تعریف کرده، در باطن کارهای وی را درست نفهمیده و با آنها مخالف هم بوده است. شگفت‌تر آن که کینز ریاضیات خوانده و رساله‌اش را درباره احتمالات نوشته بود.

کتاب شومپتر پرازش است. کمتر خواننده‌ای حوصله خواندن آن را از آغاز تا انجام خواهد داشت. ولی حتی اگر بخش بخش هم خوانده شود، بسیار سودمند خواهد بود. البته مثل هر کتابی باید آن را با دید انتقادی خواند. به قول مارک بلاگ سلیقه خاص و تعصب هم در آن یافت می‌شود.<sup>۱۸</sup>

بسماری از مشکلات اقتصادی

در کشورهایی که حال مردم آن‌ها سست است

دانشی از بداندژی‌های همین است که

بر می‌نماید آنان تا زمان آباد افرواز نمانند

در میان مردم رواج داده‌اند.

در مورد ایران می‌توان به منابعی از کتابی

مانند اقتصاد نوخیزی و آینه‌نگاری اقتصادی،

خودکفایی و اقتصاد بدون دست

اشاره کرد

امروز نه اقتصاد مارکسیستی

محللی از اعراب دارد و نه

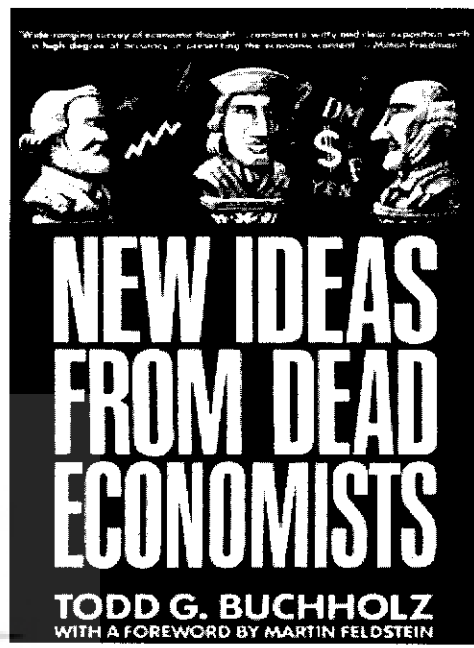
جز معدودی از اقتصاددانان کسی آن را

جدی می‌گیرد. همین طور نیز

نوشته‌های ویلی و مکتب نرندی قدیم.

جز مقداری بحث‌های با در هوا

چیز دیگری نیست.



به گفتار سومین نویسنده، پروفسور  
 هانی یانگ آمده است که  
 اعمال یاروسکی که در ۱۷۷۲  
 نوآفرین بود، مانند دو هیدرولیک  
 است. این کتاب به روشنی نشان می‌دهد  
 که چگونه ایده‌های نوآفرینان  
 می‌توانند به اقتصاددانان امروزی  
 کمک کنند. این کتاب به روشنی  
 نشان می‌دهد که چگونه ایده‌های  
 نوآفرینان می‌توانند به اقتصاددانان  
 امروزی کمک کنند. این کتاب به  
 روشنی نشان می‌دهد که چگونه  
 ایده‌های نوآفرینان می‌توانند به  
 اقتصاددانان امروزی کمک کنند.

مربوط به دوران کلاسیک‌هاست و دوره ۱۸۳۰-۱۶۸۰ را  
 در بر می‌گیرد. در اینجا به اقتصاددانان کلاسیک مانند  
 اسمیت، ریکاردو، مارکس و غیره برمی‌خوریم. بخش  
 دوم شامل دوره نهایی‌گرایان است، یعنی سالیان ۱۸۳۰  
 الی ۱۹۳۰. نیهانز علاوه بر نهایی‌گرایان مشهور مانند  
 جویز، والراس، مارشال و فیشر، به بحث درباره برخی  
 دیگر از اقتصاددانان که در جاهای دیگر کمتر به آنها  
 توجه شده مانند فن تونن، کورنو، و گوسن نیز می‌پردازد.  
 بالاخره بخش سوم، دوران معاصر یا، به قول نویسنده  
 کتاب، دوره مدل‌های اقتصادی را در بر می‌گیرد یعنی  
 سالیان ۱۹۳۰ تا ۱۹۸۰. این بخش کتاب نیهانز بدون  
 شک جالب‌ترین قسمت آن است. در قسمت رفاه از  
 پیگو، رمزی، لرنر، هوتلینگ و مید بحث می‌کند. پس از  
 آن به کینز و تئوری او و جایگاه این نظریه در تاریخ  
 دانش اقتصاد می‌پردازد. جان هیکس، جان وان نیومن  
 (ریاضی‌دانی که به ایجاد کامپیوتر کمک کرد و تئوری  
 بازی‌ها را به همراهی اسکار مورگن استرن ابداع نمود)،  
 یالینگ کوپمنز، پل سامونلسن و کنت آرو هر کدام فصلی  
 اختصاصی دارند.

از سوی دیگر، برنامه‌ریزان، فریش، تین برگن و  
 لئونتیف در یک فصل و شومپتر، هارود و سولو در فصلی  
 دیگر تحت عنوان اقتصاد رشد بررسی می‌شوند. در  
 فصل سنتز نئوکلاسیک در اقتصاد کلان پولی به لوید  
 متزلر، مادگیلانی و توپین برمی‌خوریم و در فصل قواعد  
 سیاست اقتصادی در اقتصاد کلان پولی با میلتن  
 فریدمن، جان میوست (مدع مدل انتظارات عقلایی) و  
 لوکاس آشنا می‌شویم.  
 این کتاب نیز دارای نمودارها و فرمول‌های ریاضی  
 است که احتمال دارد خواننده غیر اقتصاددان را خوش  
 نیاید ولی از نظر آشنایی با تحولات علم اقتصاد در  
 سال‌های اخیر کتابی بس سودمند است.

**مقایسه**

در مقایسه باید گفت که هر سه کتاب پیشرفت علم  
 اقتصاد را تصویر می‌کنند، شومپتر این تصویر را در سیر  
 تحول تاریخی جامعه بشری به طور کلی و اندیشه  
 اجتماعی به طور خاص به دست می‌دهد. بلاگ  
 تکیه‌اش بر موضوع‌های علم اقتصاد است و  
 پیشرفت‌های دانشمندان را در درک هریک از مسائل  
 اقتصادی موردتوجه قرار می‌دهد. نیهانز سیر تاریخی  
 علم اقتصاد را در آنچه اقتصاددانان به طور انفرادی یا  
 جمعی بدان افزوده‌اند می‌جوید. هر سه کتاب برای  
 اقتصاددانان و دانشجویان علم اقتصاد یا حداقل برای  
 خواننده‌ای که حاضر به صرف وقت و فهمیدن مسائل  
 اقتصاد باشد، نوشته شده‌اند.

در مقابل از کتاب‌هایی که برای عامه نوشته شده‌اند  
 می‌توان نام برد. مشهورترین کتابی که درباره تاریخ  
 دانش اقتصاد برای همگان نوشته شده کتاب فیلسوفان  
 ناسوتی<sup>۱</sup> نوشته رابرت هایلبرونر است. اشکال اساسی  
 این کتاب این است که تصویر نادرستی از دانش اقتصاد  
 به دست می‌دهد. نویسنده معتقد است که بازار و کارکرد  
 آن کهنه شده و برنامه‌ریزی متمرکز جای آن را خواهد  
 گرفت. به علاوه مانند بسیاری که ریاضی یاد نگرفتند،  
 فرآیند ریاضی‌وار شدن اقتصاد را اشتباه می‌داند. به  
 علاوه از یازده فصل کتاب یک فصل به مارکس و یک  
 فصل به ویلن اختصاص دارد که امروز هیچ کدام محلی  
 از اعراب ندارند. بدون شک کتابی بهتر عبارت است از  
 اندیشه‌های جدید از اقتصاددانان مرده نوشته تاد بوکهلز<sup>۲</sup>.  
 این کتاب علاوه بر آن که تصویر درستی از دانش  
 امروزی اقتصاد به دست داده، پیشرفت‌های اخیر را نیز  
 مورد بحث قرار می‌دهد. به علاوه همچنان که از نام  
 کتاب بر می‌آید، در نوشتن آن طنزی نیز به کار رفته  
 است.

**تاریخ اقتصادسنجی**

پیشرفت دانش اقتصاد همراه با ایجاد شعبه‌های  
 تخصصی در این علم بوده است که از آن جمله می‌توان  
 اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، اقتصاد کار، اقتصاد پول،  
 اقتصاد شهری و منطقه‌ای، سازمان صنعتی، اقتصاد  
 عمومی و اقتصاد بین الملل را نام برد. ولی بی‌شک  
 مهم‌ترین رشته اقتصاد، اقتصادسنجی است. این رشته  
 که یک پای در آمار و احتمالات و یک پای در اقتصاد  
 دارد، رابط بین تئوری اقتصادی و دنیای واقعی است.  
 روش‌های اقتصادسنجی این امکان را می‌دهند که  
 تئوری‌های اقتصادی را به محک واقعیت دنیای خارج  
 بسنجیم و با آزمون آماری در باییم که آیا آن دو با هم  
 مطابقت دارند یا نه. به علاوه اقتصادسنجی از یک طرف  
 امکان پیش‌بینی اقتصادی را فراهم می‌سازد و از طرف  
 دیگر امکان می‌دهد آثار ناشی از سیاست‌های اقتصادی  
 را مانند افزایش حجم نقدینگی، افزایش نرخ ارز خارجی،  
 یا مخارج دولت را به صورت مقداری ارزیابی کنیم.  
 در سال‌های اخیر چند تن از پژوهشگران به تاریخ  
 اقتصادسنجی پرداخته‌اند. در این باره باید توجه کرد که  
 ماهیت دانش اقتصادسنجی مانند فیزیک و ریاضی است  
 و تاریخ آن نیز مانند تاریخ آن دو رشته و رشته‌های  
 مشابه قابل بررسی است. از کتاب‌هایی که در این رشته  
 نوشته شده به اینها اشاره می‌کنیم:<sup>۱</sup>

۱. تاریخ ایده‌های اقتصادسنجی نوشته مری مورگان
۲. شکل‌گیری اقتصادسنجی از دیدگاه تاریخی

بی‌نوشت‌ها:

by Elizabeth Boody Schumpeter, Oxford University Press, 1954.

12. Schumpeter, op cit, P. 182.

13. Schumpeter, op cit, P. 184.

14. Mark Blaug, *Economic Theory in Retrospect*, 3rd ed., Cambridge University Press, 1978, P. 8.

15. Mark Blaug, *Economic Theory in Retrospect*, 5th ed., Cambridge University Press 1997.

16. Jurg Niehans, *A History of Economic Theory, Classic Contributions 1720-1980*. The John Hopkins University Press, Baltimore, MD. 1990.

17. Robert L. Heilbroner, *The Worldly Philosophers, the Lives, Times and Ideas the Great Economic Thinkers*, 7th ed. Simon and Schuster, 1990.

18. Todd G. Buchholz, *New Ideas from Dead Economics, An Introduction to Modern Economic Thought*, Penguin Books, New York, 1989.

19. Mary S. Morgan, *The History of Econometric Ideas*, Cambridge University Press 1990; Qin Duo, *The Formation of Econometric, A Historical Perspective*, Clarendon Press, Oxford, 1993; David P. Hendry and Mary S. Morgan (eds.) *Foundations of Econometric Analysis*, Cambridge University Press, Cambridge, 1995.

20. David Laidler, *The Golden Age of Quantity Theory*, Princeton University Press, Princeton, NJ, 1991.

21. David Laidler, *Fabricating the Keynesian Revolution, Studies of the Inetr-war Literature on Money, the Cycle and Unemployment*, Cambridge University Press, Cambridge, 1999.

1. Stephen W. Hawking, *A Brief History of Time, From the Big Bang to Black Holes*, Bantam Books, Toronto, 1988, p. vi.

2. Nikolai Krementsov, *Stalinist Science*, Princeton University Press, Princeton, NJ, 1997.

3. James E. McClellan III. and Harold Dorn, *Science and Technology in World History, An Introduction*. The Johns Hopkins University press, Baltimore, MD, 1999.

4. A. Beyerschon, *Scientists Under Hitler*, Yale University Press, New Haven. CT. 1977.

5. Charles Coulston, *Gillispie Science and Polity in France at the End of the Old Regime*, Princeton University press, princeton, NJ. 1980.

۶. در مورد قضیه لیزنکو نگاه کنید به کتاب‌های زیر؛  
Zhores Medvedev, *The Rise and Fall of T. D. Lysenko*. Columbia University Press, New York 1969; David Joravsky, *The Lysenko Affair*, University of Chicago Press, Chicago, 1970, and Krementsov, op cit.

۷. در این مورد نگاه کنید به:  
Nicolas Spulber, *Foundations of Soviet Strategy for Economic Growth, Selected Soviet Essays, 1924-1930*, Indiana University press, Bloomington, IN. 1964; and Soviet Strategy for Economic Growth, Indiana University Press, Bloomington IN, 1964.

8. Beyerschen, op cit.

9. F. M. Scherer, "The Emigration of German - Speaking Economics after 1933" *Journal of Economic literature*, 38, September 2000, p. 625.

10. John Maynard Keynes, *The General Theory of Employment, Interest and Money*, Macmillan, New York, for the Royal Economic Society, 1973. pp. 383-384.

11. Joseph A. Schumpeter, *History of Economic Analysis*, edited from Manuscript

نوشته کین دونو و ۳. مجموعه مقالاتی که دیوید هندری و مری مورگان در کتاب بنیادهای تحلیل اقتصادسنجی گرد آورده‌اند.

### پژوهش‌های جدید در تاریخ دانش اقتصاد

با وجود آنکه دانش اقتصاد پدیده جدیدی است و کتاب‌ها و نوشته‌های اقتصاددانان گذشته و حال نیز همه قابل دسترسی است، نباید گمان برد که تحقیق بدیعی در این رشته وجود ندارد. به عنوان مثال می‌توان از کارهای دیوید لیدلر در این زمینه یاد کرد. نامبرده در سال ۱۹۹۱ کتاب دوران طلایی تئوری مقداری و در سال ۱۹۹۹ کتاب جعل کردن انقلاب کینزی<sup>۲</sup> را منتشر کرد. در مجموع، این دو کتاب دگرگونی اقتصاد کلان را از سال ۱۸۷۰ تا آغاز جنگ جهانی دوم بررسی می‌کنند. در کتاب نخست، لیدلر استدلال می‌کند که تحول اقتصاد پولی در فاصله سال‌های ۱۸۷۰ و ۱۹۱۴ عمدتاً ناشی از پویایی خود تئوری بود و نه اتفاقات خارجی. به علاوه تئوری مقداری پول پایه قدرت معنوی سیستم استاندارد طلا را متزلزل کرد. لیدلر در کتاب دوم می‌گوید که انقلاب کینزی نه انقلاب بود و نه منشاء آن ایده‌های کینزی. به نظر او آنچه واقع شد ایجاد مدل فرمال جدید بود که جان هیکس و دیگران از کتاب کینز استخراج کردند. این مدل که به نام IS-LM شناخته شده است، امکان بحث منسجم درباره مباحث اقتصاد کلان را - که چه کینز و چه دیگران ارائه داده بودند - فراهم کرد. کتاب مزبور همچنین ادعای رمانتیک برخی را که دانش اقتصاد یک سری انقلاب‌های کوچک و بزرگ است زیر سؤال می‌برد. به احتمال زیاد خواننده عادی حظی از این کتاب‌ها نخواهد برد ولی بی‌شک برای اقتصاددانان سودمند خواهند بود.

### سخن پایانی

امروز جامعه ایران و اقتصاد ایران در آستانه تحولی بزرگ هستند. آینده ایران را مردم ایران می‌سازند و مردمی که دانش بیشتر داشته باشند، آینده بهتری خواهند ساخت. هرچه دانشمندان اقتصاد و مردم ایران با دانش اقتصاد آشنا تر باشند، تصمیم‌ها و سیاست‌های اقتصادی بهتری اتخاذ خواهند کرد؛ آشنایی با دانش، دانش اقتصاد، اقتصادسنجی و تاریخ اینها از اهم کارهاست.